



گزارشی از مطالعات انجام شده درباره: مدیریت در نهج البلاغه

حجة الاسلام و المسلمین دین پرور

چکیده

آنچه در این سخنرانی بیان شده است ، حاصل تلاشهای تحقیقاتی بنیاد نهج البلاغه راه که در چندسال گذشته درباره همین موضوع صورت گرفته است ، بیان می کند . در قسمت نخست این بحث ابتدا گزارشی از سیر تحقیقات مدیریت در نهج البلاغه و ساز و کارهای انجام این تحقیقات را ملاحظه خواهید کرد و در قسمت دوم آن ، نمونه ای از این دستاوردهای تحقیقی ، یعنی ویژگیها یا شرایط یک مدیر اسلامی در قالب شرایط احراز و شرایط کمال و با تأکید خاص بر یکی از این خصوصیات یعنی تقوا ، به تفصیل تشریح شده است .

الف - گزارشی از سیر تحقیقات مدیریت در نهج البلاغه

تحقیق پیرامون مدیریت در نهج البلاغه، بسیار ضروری و مؤثر است؛ چرا که امیرالمؤمنین (ع) در دوران خلافت ظاهری خودشان در مقام مدیریت و رهبری جامعه قرار داشته‌اند، دستورها، بخشنامه‌ها، و احکام، نامه‌هایی که به فرمانداران و فرماندهان و زمامداران نوشته‌اند، امر و نهی‌ها و برخوردها، همه در نهج البلاغه ضبط شده است. لذا از بین احادیث، نهج البلاغه می‌تواند الگو برای پاسخ به سؤالاتی باشد که در زمینه مدیریت مطرح است. کار جمعی علاوه بر فواید بسیار زیادی که دارد، مشکلاتی هم در بر دارد. برای اینکه چند فکر بخواند در یک جهت قرار بگیرد و افکار، مکمل یکدیگر باشند، این خود نیازمند سرمایه‌گذاری فکری و در واقع، خودش مدیریت است؛ چون از یک سو دانشگاه‌ها (در گذشته بیشتر اینطور بود) متهم هستند که از کتابها و استادان غربی استفاده کرده‌اند، ممکن است یک ردّ پاهایی از آن سامان در افکار و مطالبشان باشد و حوزه هم متهم بود که از خارج و جریانات دنیایی و روزگرمتر مطلع است و فقط به متون و منابع اشراف دارد. برای اینکه این دو جهت مکمل هم باشند در جمعی از دوستان دانشگاهی و حوزوی، بنا براین شد که نهج البلاغه از دیدگاه مدیریت بررسی و مطالعه شود. آن هم مطالعه‌ای بدون پیشداوری و بدون قالبهایی از پیش ساخته شده و نکاتی که امام در باره مدیریت فرموده‌اند با مطالبی که در باره مدیریت از کلام امام استفاده می‌شود، فیش‌برداری و مدرک‌گزینی شود. اجرای این کار به سه مرحله تقسیم شده است: در مرحله اول عده‌ای از دوستان حوزه و دانشگاه و دوستانی که تخصص در مدیریت داشتند، مطالعه را آغاز کردند. این دوستان در یک جلسهٔ مشترک، عنوانها و فیشها و مدرکهایی را که پیدا کرده بودند در جمع مطرح کردند و توسط جمع، جرح و تعدیل شد. بدین ترتیب آشنایی مقدماتی نسبتاً خوبی نسبت به موضوع پیدا شد. در مرحلهٔ دوم برای اینکه قدری بیشتر به موضوع نزدیک بشویم و زمینهٔ مستقلی را هم که در رابطه با مدیریت از نهج البلاغه استفاده کرده بودیم، هجده عنوان از بین مسائل مدیریت و اصول مدیریت تهیه شد. در ذیل این هجده موضوع، دوستان از نو به مطالعه مجدد در نهج البلاغه پرداختند. و هر یک از اعضای گروه یک عنوان را انتخاب کردند

و در ذیل آن عنوان، مطالعاتی را در نهج البلاغه و در بخش نامه‌ها انجام دادند. نتیجه مطالعات (فیشها) نوشته و در اختیار گذاشته شد. بعد از این مرحله، نوبت بخش سوم تحقیق رسید که در این بخش، «جمعی» کار می‌شد؛ یعنی موضوعی را به جای اینکه یک نفر در نهج البلاغه مطالعه کند دو نفر یا سه نفر مطالعه می‌کردند قسمت سوم در واقع بخش پایانی این سیر مطالعاتی بود که به جمع‌بندی نسبتاً خوبی هم رسید. اعضای گروه در مجموع به این نتیجه رسیدند که اصول مدیریتی که در کتابهای دانشگاهی مطرح است، یعنی آن اصول مدیریتی که در مراکز علمی دنیا مطرح است، همه آنها را در نهج البلاغه داریم؛ آن هم نه یک برداشت کلی بلکه به این نحو که گفته شد این نظریه و این اصل از نامه شماره فلان، صفحه فلان، استفاده می‌شود یا بخشی از آن رد می‌شود. علاوه بر این چند اصلی از نهج البلاغه در باره مدیریت پیدا کردند که آن اصول در کتابها و نظریات دانشمندان مطرح نبوده و به آن نرسیده و یا ذکر نکرده‌اند. محصول این مطالعات، فیشها و نوشته‌ها و نوارهای زیادی می‌باشد نظریات و بحثها نیز بطور ریز، مکتوب است.

ب - ذکر نمونه‌ای از این یافته‌ها

به شرایط احراز و شرایط کمال مدیریت. شرایط احراز یعنی آن شرایطی که حتماً باید در مدیر باشد که اگر این شرایط نباشد مدیریتی شکل نمی‌گیرد و دیگری شرایط کمال. در این مطالعات هفت شرط به عنوان شرط احراز مطرح شد شامل تدبیر - تقوای خاص مدیر، دانش و تخصص لازم، توان تصمیم‌گیری، توان به کارگیری امکانات، توان ایجاد انسجام مطلوب و توان لازم در اقدام بموقع، بجا و مناسب، در ذیل هر یک از این شرایط نهج البلاغه، مطالبی یادداشت شده است. اما شرایط کمال یعنی شرایطی که باعث کمال مدیر می‌شود چنین شمارش شدند: شور و مشورت، رفتار مناسب، حسن سابقه فردی، تجربه کاری، انتقادپذیری، صبر و تحمل، وفای به عهد، شجاعت در انجام امور، آراستگی، به حساب آوردن دیگران، وقت‌شناسی و اعتدال.

حالا پاره‌ای از مطالبی را که در همین راستا از نهج البلاغه استفاده شده عرض می‌کنم. همانطور که ملاحظه کردید، یکی از ویژگیها و شرایط احراز مدیر، تقوی قلمداد شده

بود، تقوای مدیر که در اینجا مطرح شده بطور کلی تقوا در همه شئون اسلامی مورد نظر و توجه است اما تقوای مدیر با توجه به امکانات و قلمرو اختیاراتی که معمولاً او دارد و هر چه سطح مدیریت بالاتر می‌رود از امکانات و اختیارات بیشتری برخوردار است، قطعاً لغزشگاه‌ها و اشکالات بیشتری هم مدیر را تهدید می‌کند. بنابراین ذیل تقوای خاص مدیر، ما در نهج البلاغه عنوانهایی وجود دارد که توضیح خواهیم داد.

تقوای مدیر به چند دسته تقسیم شده است: امام علی (ع) در یک قسمت درباره تقوای مدیر این نکته را می‌خواهند تعلیم و توجه بدهند که مدیر به عنوان مدیر باید از تقوای ویژه‌ای برخوردار باشد. این تقوا ممکن است در حوزه حلال و حرام هم نباشد. چون مطابق تحقیقات محققان، رکن مسأله تقوا بر حلال و حرام است؛ یعنی آدم متقی بتواند از حرام پرهیزد؛ منتها تقوای مدیر بسته به سطح مدیریت او از این هم بیشتر است که حتی به جایی می‌رسد که گاهی از حلال هم باید پرهیزد تا آن تقوایی را که در مدیریت شرط است داشته باشد. امام نامه‌ای به شریح قاضی نوشتند. جریان از این قرار است که شریح قاضی، منزلی به ۸۰ دینار خرید. وقتی این خبر به گوش حضرت رسید، حضرت، شریح را خواستند و فرمودند شنیدم که خانه‌ای خریدی، عرض کرد بلی یا امیرالمؤمنین. ببینید امام به او چه مطالبی را فرمودند که از آن مطالب ما می‌توانیم این نکته‌ها را استفاده کنیم. سه نکته از این نامه قابل استنباط است یکی اینکه فرمودند یا شریح «لا تکون ابتعت هذه الدار من غیر مالک» یعنی توجه کن مبادا که این خانه را از غیر مال خودت خریده باشی. دقت بفرمایید صحبت حلال و حرام نیست. نه، صحبت از مالی است که مال خودت نیست ولی در اختیار تو است، حتی اختیار هم داری حتی ممکن است یک بودجه سرّی هم باشد که اصلاً از تو حساب نکشند، لا تکون ابتعت هذه الدار من غیر مالک.

نکته دوم اینکه «او نقدت الثمن من غیر حلالک» یعنی از غیر مال حلال تهیه کرده باشی. عبارت نقدت الثمن من غیر حلالک آن سطح پایش را مطرح می‌کند که هیچکس نباید از مال حرام استفاده کند، سطح بالاتر اینکه نه، حلال هم هست اختیار هم داری ممکن است حساب هم از تو نکشند، اما هرگز این خانه را از غیر مالت نباید خریداری

بکنی؛ یعنی تو به عنوان قاضی امیرالمؤمنین که اختیار هم داری، امکان هم داری، حق نداری چنین کنی، و اختیار و امکانت باید در راه و پیشرفت امور مسلمین خرج شود. باز از این بالاتر، چون قاضی است و قاضی در وضعیت مدیریت بسیار حساسی است، باید تقوای ویژه را رعایت بکند. اما انک لو کنت اتیتی عند شرائک ما اشتریت لکتبتُ لک کتاباً علی هذه النسخة اگر هنگامی که می‌خواستی این خانه را بخری پهلوی من می‌آمدی، سندی برایت می‌نوشتم که رغبت نکنی خانه هشتاد دیناری بخری.

نه صحبت حلال و حرام است و نه صحبت اختیار اموال داری یا نداری، نه، من یک مطالبی می‌گفتم که رغبت نکنی خانه بخری «فلم ترغب فی شراء هذه الدار بدرهم و فما فوق» یعنی خانه یک درهمی هم نخری چه برسد هشتاد دینار. مرحوم آیت‌الله لواسانی گفتند که من خدمت امام رفتم گفتم اجازه بدهید، خانه من خراب است، من آن را دوباره خراب کنم و بسازم. امام فرمود این خانه خوب است نمی‌خواهد دیگر خراب کنی و بسازی. منظور از تقوای خاص مدیر همین است که هر سطحش بالاتر برود این درجات تقوی هم بالاتر می‌رود. در همین رابطه نامه دیگری است که حضرت به عثمان بن حنیف نوشتند. ایشان در یک میهمانی دعوت شد که نه زهای آنچنانی بود و نه نمود بالله شرابی و نه کار حرام و خلافی، اشکالش فقط این بود که فقط یک عده پولدار آنجا جمع بودند. امام وقتی می‌خواهند به عثمان بن حنیف اعتراض بکنند با چه عبارتی اعتراض می‌کنند؟ با این عبارت که «ما ظننتُ انک تجیب الی طعام قوم عائلهم مجفو» به فقرایی لطفی شده، جفا شده آنها را پشت در نگه داشتند و «غنیهم مدعو» اما ثروتمندان را آن بالا راه دادند، این یک اشکال بوده است. آنگاه امام به او دستور می‌دهد فانظر الی، ما تقضه من هذا المقضم فما اشتبه علیک علمه فالقلقه» یعنی توی فرماندار علی از شبهه ناکها هم باید پرهیز می‌کردی. مردم معمولی ممکن است شبهه ناک هم استفاده بکنند ولی تو به عنوان فرماندار علی و به عنوان امر واجب «فما اشتبه علیک علمه فالقلقه»، بینداز از دهانت. «و ما ایقنت بطیب وجوه فئل منه» آنکه یقین صد در صد داری که حلال حلال است. «فئل منه»، از آن می‌توانی استفاده کنی. بنابراین تقوای خاص مدیر، تقوای ویژه با شرایط خیلی محدودی است. شرایط سختی است که امام

دارند به او یاد می‌دهند. این قسمتی است که ملاحظه کردید اوجش سطحش بالاست. قسمت دیگری که ما می‌توانیم از آن، تقوای مدیر را استفاده کنیم این است که مدیر باید تقوای او را از این دیدگاه در خودش و در وضعیتش ایجاد بکند که پیشگیری بشود از اینکه در گناه بیفتد و یا زمینه‌سازیهایی باشد که در صورتی که رشد کند ممکن است او در دام گناه سقوط کند. چون زمینه‌های سقوط چنین انسانی بیشتر است. نامه پنجم نامه‌ای است که امام به اشعث بن قیس، که عامل حضرت در آذربایجان بوده است، نوشتند. از این نامه استفاده می‌شود که مدیریت اسلامی شغل نیست، بلکه مسئولیت و وظیفه است، آن هم در حد امانت و امانتداری. حضرت می‌فرمایند: «و ان عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک امانه» این کار تو طعمه نیست که بخواهی مال اندوزی کنی بلکه امانت است و «انت مسترعی لمن فوقک» باید جواب بدهی. از این نامه استفاده می‌شود که مدیر در یک اوجی است که باید از خود مراقبت کند. در نامه‌های دیگر هم نظیر این مطالب آمده است، مانند نامه شماره ۲۲ و ۲۷ و... موضوعات دیگری وجود دارد که کار شده و در بنیاد نهج البلاغه موجود است دوستان می‌توانند بیابند، ببینند و ما از نظریات آنها استفاده کنیم.

(والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

